

جامعه متحول و قانون گذار منفعل

بهزاد گرامی
پژوهشگر اقتصادی



با احداث راه آهن در ايران موضوع تأمين اجتماعي نيز براي اولين بار، به منظور حمايت از كارگران در مواقع حوادث و بيماري، مطرح شد و در سال ۱۳۱۵ صندوق احتياط كارخانه‌هاي دولتي براي حمايت از كارگران در اين بخش‌ها تشكيل شد. سابقه توجه به دوران بازنشستگي براي كارمندان دولت و ايجاد دايره تقاعد در اداره كل حسابداري وزارت دارايي نيز به ۹۰ سال پيش بازمي‌گردد. در طول تمام اين دوران، قاعده اصلي ۳۰ سال كار، پس از آن بازنشستگي و دريافت حقوق بازنشستگي تا مرگ و حتي پس از مرگ براي برخي بازماندگان همواره برقرار بوده است و هيچ‌گاه كسي پيرامون اين قاعده كلي و اصول و مباني محاسباتي آن كنكاش نكرده است يا حداقل اينكه قانون گذاران اين چنين نكرده‌اند.

به اعتبار محاسبات تاريخي، سن اميد به زندگي ايرانيان در دهه ۵۰ شمسي كمتر از ۶۰ سال بوده است و اين قاعده كلي بيمه‌هاي بازنشستگي در آن دوران حتما پاسخ‌گوي نيازهاي بازنشستگان بوده و صندوق‌هاي بيمه‌گر آن دوران، به خصوص با توجه به رشد جمعيت حقوق‌بگير براي فزوني تعهدات بر درآمدها، نگراني نداشته‌اند. به اين ترتيب اسلوب شكل‌گيري

صندوق‌هاي بازنشستگي در ايران براساس سيستم‌هاي PAYG شكل گرفته و كماكان نيز به همين منوال پيش مي‌رود؛ چراكه با فرض اتمام دوره متوسطه در ۱۸ سالگي و حداقل دو سال خدمت دوره ضرورت (براي مردان) حداقل سن شروع به كار ۲۰ سالگي بوده و پس از طي شدن ۳۰ سال دوره بيمه‌پردازي، در ۵۰ سالگي بازنشسته شده و در اين مرحله صندوق‌هاي بازنشستگي تعهدات خود را در قبال افراد ايفا مي‌كنند كه براساس سن اميد به زندگي در آن دوران، صندوق‌ها به طور متوسط ۱۰ سال براي هر فرد مي‌توانند حقوق بازنشستگي پرداخت كنند.

با يك حساب سرانگشتي هم مي‌توان فهميد پرداخت كمتر از ۳۰ درصد حقوق براي مدت ۳۰ سال، حتي با فرض حفظ ارزش واقعي آن در كل دوران، كفاف پرداخت حقوق بازنشستگي براي مدت‌زماني بيش از ۱۰ سال را نخواهد داشت. اين موضوع با محاسبات زمان‌هاي گذشته كه در آن قرار بوده افراد از حدود ۲۰ سالگي (با احتساب تحصيلات تا مقطع ديپلم و دو سال خدمت دوره ضرورت) شاغل باشند و پس از ۳۰ سال دوران بيمه‌پردازي، در ۵۰ سالگي بازنشسته شوند و نهايتا با فرض اميد به زندگي ۶۰ سال، در مجموع اين نسبت ۲۰ درصد تا ۳۰ درصد كسر از حقوق براي پسانداز دوران بازنشستگي براي حدود ۱۰ سال آخر عمر آنان كافي به نظر مي‌رسيد.

حال سؤال اينجاست كه اين محاسبات ساده در سير تحولات تاريخي جامعه چه تغييراتي كرده است؟ آيا رشد دانش بشري در دهه‌هاي اخير كه منجر به افزايش سطح رفاه و سن اميد

شاخص ميزان سالخوردگي جمعيت به تفكيك نقاط شهري و روستايي از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
كل کشور	۳۹۹۷	۳۸۸۶	۳۵۲۲	۳۰۰۴	۳۳۲۹	۴۳۳۳	۵۷۲
نقاط شهری	۳۵۰	۳۵۱	۳۳۴	۲۹۶	۳۲۱	۳۹۹	۵۴۰
نقاط روستايي	۴۰۱۸	۴۰۸۸	۳۶۸۸	۳۰۱۳	۳۶۲۲	۴۸۴۴	۶۰۱۰

ميزان سالخوردگي جمعيت: اين ميزان حاصل تقسيم جمعيت ۶۵ ساله و بيشتر به كل جمعيت است. مأخذ: سرشماری‌هاي عمومي نفوس و مسكن ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ و آمارگيري جاري جمعيت ۱۳۷۰

از منظر تغييرات
ايجاد شده در
ساخت سني
جوامع، نياز به
افزايش دوران
بیمه‌پردازی و
سن بازنشستگی
با هدف
حفظ تعادل
صندوق‌های
بازنشستگی
كاملا محسوس
است. كما اينكه
در بسياري
كشورها نظير
فنلاند، سوئد،
نروژ، يونان و
ايسلند حداقل
سن بازنشستگی
۶۷ سال بوده و
كشورهائي مانند
هلند، آلمان،
دانمارك، آمريكا
برنامه‌ريزي
كرده‌اند كه تا
سال‌هاي آتي
حداقل سن
بازنشستگی را
از ۶۵ به ۶۷
افزايش دهند.